

تقدیم به همسر م

مقدمه

وقوع انقلابی «اسلامی» در پایان قرن بیستم این انقلاب را از ابعاد و جهات مختلف موضوع پژوهشهای بسیاری قرار داد که هنوز هم ادامه دارد. مجموعه‌ای از ویژگیها و شرایط زمانی و مکانی بر اهمیت و درجه تأثیرگذاری این انقلاب افزوده و ابعاد گوناگون آن را در کانون توجهات جهانی قرار داده است. در جهانی که کار دین تمام شده به حساب می‌آمد، بازگشت انقلابی دین با «انقلابی به نام خدا» و با تکیه بر آموزه‌های اسلام شگفتی‌ساز و اعجاب‌آمیز بود، آن هم در سرزمینی مثل ایران که حدود سه دهه و با حمایت‌های همه‌جانبه ایالات متحده آمریکا در حال تجربه نوعی مدرنیزاسیون متمرکز از نوع شاهنشاهی بود. ایران و پیرامون آن یکی از مهم‌ترین کانونهای انرژی فسیلی جهان به شمار می‌آمد، همان که برای کالبد اقتصاد جهان به منزله بانک خون بود. با انقلاب اسلامی در ایران، عملاً کنترل بانک خون جهان به دست انقلابیونی افتاده بود که سودایی دگر در سر داشتند. آنان جهان را آن‌گونه که قدرتهای بزرگ جهان می‌خواستند نمی‌دیدند. آنها اساساً جهانی دیگر می‌خواستند. جهان و الگوی مطلوب انقلابیون اسلام‌گرای ایران گوهری بود که بسیاری دیگر در جهان اسلام سالها در جستجوی آن بودند. همین امر باعث شده بود تا در هر یک از سرزمینهای اسلامی، انقلابی به نام اسلام بازتابها و تأثیرات طبیعی داشته باشد. این انقلاب شکاف موجود بین جهان اسلام و غرب را به طور طبیعی بسیار عمیق‌تر می‌ساخت و این خود بر بازتاب و تأثیرات چنین انقلابی می‌افزود. این انقلاب اسلامی در ایران اتفاق افتاد و به همین دلیل اثرات و بازتابهای گسترده‌تری در جهان و جهان اسلام داشت. شرایط ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک ایران بر ابعاد، گستردگی و عمق این بازتابها افزود. جستجوی راه سومی به جز راه لیبرالیسم و سوسیالیسم در

کشورهای در حال توسعه در دهه‌های پایانی قرن بیستم، انقلاب اسلامی ایران را به الگویی عینی و معنادار برای این آرمان تبدیل ساخت و در نتیجه اهمیت و ابعاد بازتاب آن را فزونی بخشید.

مطالعه ابعاد مختلف بازتاب‌های انقلاب اسلامی ایران موضوع اصلی این کتاب و به قلم نویسندگانی است که از متخصصان بنام این حوزه و مدرسان برجسته درس بازتاب انقلاب اسلامی ایران در دانشگاه‌های معتبر جمهوری اسلامی ایران هستند.

محمدباقر خرمشاد در فصل نخست تلاش کرده است تا چهارچوبی نظری برای مطالعه بازتاب‌های انقلابها به صورت عام و انقلاب اسلامی ایران به طور خاص ارائه دهد. او توضیح می‌دهد که چه انقلاب‌هایی دارای بازتاب هستند و نشان می‌دهد که چگونه انقلاب اسلامی ایران نیز از زمره انقلاب‌های بزرگ دارای بازتاب است.

در فصل دوم، ابراهیم برزگر توضیح می‌دهد که چگونه نظریه پخش یا اشاعه یکی از نظریه‌های رایج در مورد توضیح چگونگی انتشار نوآوریها و گسترش ایده‌ها و اندیشه‌هاست. هرچند خاستگاه اولیه آن در رشته جغرافیای انسانی است، در مورد موضوعات علوم سیاست و جغرافیای سیاسی نیز کمابیش به کار گرفته شده است. معمای چگونگی اشاعه و بازتاب انقلاب اسلامی در سطح تحلیل منطقه‌ای و سطح تحلیل بین‌المللی و جستجوی الگوی تبیین مناسب محقق را بر آن داشته است تا توان نظریه پخش را در بازتاب منطقه‌ای و بین‌المللی انقلاب اسلامی بسنجد. آنچه در این فصل می‌خوانید مطالبی است برای نظام‌مند کردن انبوه مواد خام در مورد تأثیر انقلاب اسلامی بر سایر کشورها و مناطق. این ساختارسازی و قالب‌بندی داده‌های انبوه و مواد خام براساس نظریه پخش صورت گرفته است.

در فصل سوم، محمدباقر خرمشاد درباره یکی از بارزترین بازتاب‌های نظری انقلاب اسلامی ایران، یعنی بازتاب این انقلاب بر نظریه‌های انقلاب، بحث می‌کند. او نشان می‌دهد که چگونه با انقلاب اسلامی در ایران نسل جدیدی از نظریه‌های انقلاب شکل گرفت، نظریه‌هایی که تا قبل از آن وجود خارجی نداشته است. در این نسل جدید از نظریه‌های انقلاب، که او از آن به نسل چهارم نظریه‌های انقلاب یاد می‌کند، ما شاهد پیدایش رهیافتهای فرهنگی، معنویت‌گرایانه، جهان‌سومی و

ماورای طبیعت گرایانه در نظریه‌های انقلاب هستیم.

سید جلال دهقانی فیروز آبادی، در فصل چهارم، بازتابهای نظری انقلاب اسلامی ایران در روابط بین‌الملل را بیان می‌کند. او توضیح می‌دهد که انقلاب اسلامی ایران در هریک از سه تعریف قابل تصور برای آن، یعنی انقلاب به مثابه پدیده سیاسی-اجتماعی زمانمند و مکانمند (انقلابی با ویژگیهای اسلام‌مداری، فرهنگ‌محوری، مسالمت‌جویی، معنویت‌گرا و استقلال‌طلب)، انقلاب به منزله گفتمان سیاسی-فرهنگی با ابعاد چهارگانه گفتمان فراملی، رهایی‌بخش، جهان‌شمول و الهام‌بخش و سرانجام، انقلاب در شکل نظام جمهوری اسلامی ایران، دارای پیامدهای ده‌گانه مهمی در روابط بین‌الملل بوده است: احیای اسلام سیاسی، تکوین و تقویت جنبشهای اسلامی، ارتقای نقش و جایگاه اسلام، تقابل ایدئولوژیک با لیبرال-سکولاریسم حاکم، احیای نقش مذهب، افزایش نقش تکوینی فرهنگ، ابطال فرض عقلانیت واحد، تضعیف ملت-دولت سکولار، و اساسی نظام بین‌الملل و تضعیف گفتمان سکولاریزم.

پیامدهای ده‌گانه انقلاب اسلامی در روابط بین‌الملل باعث واکنش و توجه نظریه‌های روابط بین‌الملل به این چالش در قالب سه الگوی نقد نظریه‌های جریان اصلی، اصلاح نظریه‌های موجود و پردازش نظریه‌های جدید شده است. بازتاب انقلاب اسلامی در نظریه‌های روابط بین‌الملل، به صورت مستقیم و غیر مستقیم، باعث تقویت نظریه‌های انقلاب در روابط بین‌الملل، پردازش نظریه اسلام سیاسی در نظریه‌های روابط بین‌الملل، اهتمام به نظریه‌های جنبشهای اسلامی، و نظریه‌پردازی در مورد دین (در پنج مفهوم دین به مثابه تهدید امنیتی، فرهنگ، جوهر روابط بین‌الملل، گفتمان حاکم بر روابط بین‌الملل و الهیات سیاسی بین‌الملل) شده است.

در فصل پنجم، تأثیرات انقلاب اسلامی بر نظام بین‌الملل از دو جنبه ساختاری و فرایندی بررسی می‌شود. از جنبه ساختاری، ایجاد تحول مفهومی و هنجاری، تأثیرگذاری بر ماهیت قدرت، نوع و تعداد بازیگران و نحوه توزیع قدرت بین کنشگران نظام بین‌الملل تجزیه و تحلیل می‌شود و تحول بخشیدن به ماهیت تعامل

بین بازیگران و فرایند تأثیرگذاری کنشگران بر نظام تصمیم‌گیریه‌ای بین‌المللی از جنبه فرایندی و کارکردی بررسی می‌گردد. محمدرضا دهشیری در این فصل توضیح می‌دهد که درخصوص تأثیر انقلاب اسلامی بر دگرگونی در مفاهیم و هنجارهای روابط بین‌الملل، می‌توان به قدرت هنجارسازی آن در زمینه عدالت، آزادی، حق‌طلبی، استقلال‌جویی، هویت‌گرایی، خردباوری و قدرت و نیز توان مفهوم‌سازی آن با ایجاد تحول مفهومی در اصطلاحاتی چون مشروعیت، امنیت، ملت، سیاست، توسعه، انقلاب، جغرافیا، دین، تمدن، عقلانیت، آزادی و عدالت اشاره کرد.

همچنین در مورد قدرت گفتمان‌سازی انقلاب اسلامی می‌توان مواردی از جمله تلفیق اصالت فرد و جامعه، آرمان‌نگری واقع‌بینانه، وحدت حوزه و دانشگاه، مردم‌سالاری دینی، پیوند عقل و دین، تلفیق سنت و مدرنیته را برشمرد.

از جنبه تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر تحول در ماهیت قدرت، بر مباحثی چون تأکید بر اصالت فرهنگ و اندیشه‌ورزی، ارتباط بین قدرت عینی و ذهنی، تفوق قدرت نرم بر قدرت سخت، اهمیت ساختارهای ذهنی و فکری در کنار قدرت عینی و عملیاتی، تأکید بر هویت به عنوان قدرتی مثبت نه منفی، اهتمام به قدرت نیروی انسانی کارآمد به عنوان قدرت نرم‌افزار و نیز توجه به قدرت اقناعی تأکید می‌شود.

از جنبه تحول در نوع کنشگران بین‌الملل، مواردی نظیر برجسته‌سازی نقش ملت و اجتماع جهانی، تمدن‌ها، جنبش‌های آزادی‌بخش و نخبگان فکری و فرهنگی مطرح می‌شود. از جنبه تحول در نحوه توزیع قدرت بین بازیگران می‌توان به مواردی از قبیل فعال‌سازی جنبش عدم تعهد، پیوند سطوح تحلیل داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، توزیع قدرت بین معنویت‌گرایی و دنیاگرایی (نشان دادن توان حرکت‌آفرینی معنویت‌گرایی در برابر دو ایدئولوژی مادی کاپیتالیستی و کمونیستی) و آشکارسازی شکاف بین استکبار و استضعاف اشاره کرد.

از جنبه تغییر در فرایند نظام بین‌الملل، می‌توان مواردی از قبیل تحول در

ماهیت و نحوه تعامل یا تقابل بین بازیگران، به ویژه تقابل کشورهای مستقل با سلطه ابرقدرتهای شرق و غرب (با اتخاذ موضع ضد وضع موجود)، سوق دادن ابرقدرتهای شرق و غرب به تبانی و رویکرد تعاملی - تفاهمی، و مقابله با ایادی قدرتهای استعماری به ویژه رژیم صهیونیستی را برشمرد.

از جنبه تحولی که انقلاب اسلامی در نوع تأثیرگذاری بازیگران بر فرایند تصمیم‌گیری در نظام بین‌الملل ایجاد کرده است، می‌توان به تأکید بر تأثیرگذاری از پایین به بالا در فرایند تصمیم‌گیری جهانی و تأثیرگذاری هنجاری از منظر ارتقای جایگاه اندیشه‌های توحیدی و معنویت‌گرایانه و تقویت نقش ادیان در تأثیرگذاری بر نظام تصمیم‌گیری جهانی اشاره کرد.

در فصل ششم، با نگاه «جامعه‌شناسی بومی - جهانی»، که هم به ظرفیتهای و توسعه‌های بومی ایران توجه می‌کند و هم شرایط جهانی و عوامل فراملی را در نظر می‌گیرد، به رخداد بزرگ اجتماعی، فرهنگی و سیاسی معاصر جامعه ایران، یعنی انقلاب اسلامی، توجه شده است. در ظرف بومی - جهانی‌نگری انقلاب اسلامی ایران روند معکوس جهانی شدن غرب و جهانی شدن سوسیالیسم تحلیل شده است. البته، ابعاد تحلیلی جامعه‌شناسی خرد بومی - جهانی انقلاب اسلامی ایران نیازمند تحلیل گسترده‌تری است، این نوشته صرفاً معرفی یک روش‌شناسی و نگاه جامعه‌شناختی بومی - جهانی به این واقعه مهم تلقی می‌شود. بر این اساس، در ابتدا ضمن بیان ابعاد مفهومی جهانی شدن معکوس، انقلاب و جامعه‌شناسی بومی - جهانی، به تحلیل اجمالی نظریه‌های مربوط به انقلاب اسلامی ایران و ظهور نهضتهای اجتماعی به عنوان فرایندهای معکوس و تحلیل خاص ابعاد جامعه‌شناختی بومی - جهانی پرداخته می‌شود. در این فصل، انقلاب اسلامی ایران، نه از نگاهی منزوی بلکه از نگاهی کلان و بومی - جهانی بررسی شده است.

سعیدرضا عاملی در این فصل نشان می‌دهد که چگونه در شرایطی که ما با توسعه سکولاریسم هم در ایران و هم در روند عمومی و غالب جهانی مواجه هستیم، انقلاب اسلامی روند غیر سکولارشدن و به مرکزیت آوردن دین محسوب می‌شود.

از این منظر، انقلاب اسلامی ایران هم انتقال بزرگ و روند معکوس در تاریخ ایران و هم روند معکوس جهانی به حساب می‌آید.

در توضیح بازتاب‌های جهانی انقلاب اسلامی ایران، منوچهر محمدی در فصل هفتم به توضیح چگونگی اثرات جهانی کلان انقلاب اسلامی ایران می‌پردازد. او تبیین می‌کند که چگونه وقوع انقلاب اسلامی در دهه‌های پایانی قرن بیستم، قرنی که از آن به عصر پایان ایدئولوژیها و پایان تاریخ تعبیر می‌شد، بسان موجی خروشان بر اندیشه‌ها و نظریه‌های مادی‌گرایانه غربی و شرقی فرود آمد و طرحی نو درافکند. این انقلاب، که برخلاف دیگر انقلاب‌های مدرن از رویکردی معنوی برخوردار بود، اساس نگرش دنیامحورانه و مادی‌گرایانه حاکم بر نظام و تعاملات جهانی را به چالش کشید و موجی از امید و شور در میان ملل محروم جهان و جوامع اسلامی به وجود آورد. لذا از همان ابتدا با مخالفتها، کارشکنیها، فضا‌سازیها و فشارهای سیاسی نظام سلطه روبه‌رو شد. اما با وجود همه فشارها، بعد از گذشت سی سال از تحقق این پدیده منحصر به فرد، که می‌توان آن را «معجزه قرن بیستم» نامید، شاهد ثمرات آن، به خصوص توسعه مخالفتها با نظام سلطه در کشورهای محروم جهان، هستیم.

درآمدی خرد بر بازتاب جهانی انقلاب اسلامی ایران عنوان فصل هشتم است که در آن محمدعلی بصیری تشریح می‌کند که چگونه پیروزی انقلاب اسلامی در ایران به عنوان یکی از مهم‌ترین پدیده‌های قرن بیستم تحولاتی ریشه‌ای و اساسی در ایران و نیز در منطقه و جهان بر جای گذاشته است. این تحولات و بازتابها در حوزه‌های مختلفی چون نظم منطقه‌ای و بین‌المللی، کشورهای اسلامی منطقه و جهان، مردم و اندیشمندان آن بوده است. این انقلاب در دنیای غرب نیز بازتاب‌های چشمگیری در میان اقلیتهای مسلمان و مردم غیر مسلمان داشته و همچنین بر روی جنبشهای اسلامی و غیر اسلامی، سازمانهای بین‌المللی و سیاست خارجی قدرتهای بزرگ نیز تأثیرات چشمگیری داشته است. در این نوشتار تلاش شده، در حد امکان، به این دگرگونیها و تحولات در سطح خرد و خلاصه پرداخته شود.

برای ارائه چشم‌اندازی جهانی از بازتاب‌های انقلاب اسلامی ایران، اصغر

افتخاری در فصل نهم چنین تحلیل می‌کند که انقلاب اسلامی به عنوان پدیده‌ای نو در جهان معاصر گفتمانی تازه را بنیاد نهاد که به اقتضای ماهیتش تمامی ابعاد نظری، ساختاری و رفتاری نظم بین‌المللی را تحت تأثیر قرار داد. در این نوشتار، نویسنده از تأثیرات جهانی انقلاب اسلامی در گستره جهانی سؤال نموده و برای این منظور، ضمن اشاره به اصول و مبانی اولیه انقلاب اسلامی، سعی نموده تا ساختار گفتمانی آن را شناسایی و معرفی نماید. در ادامه بحث با استفاده از الگوی تحلیلی راهبردی (که مبتنی بر شناسایی دو دسته از تأثیرات نظری و کاربردی است) به معرفی مهم‌ترین تحولات ناشی از انقلاب اسلامی در مناطق برگزیده اهتمام ورزیده است. مطابق این رویکرد تحلیلی، محورهای زیر شناسایی و بیان شده‌اند:

۱. در منطقه خاورمیانه، با توجه به تحولات کشورهای چپون عراق، کشورهای عربی خلیج فارس و لبنان، شاهد طرح و احیای مجدد مرامنامه شیعی و تأثیرپذیری حرکت اصلاحی اسلامی هستیم که به طور مشخص ساخت قدرت را مد نظر دارد.

۲. در جنوب غرب آسیا و آسیای مرکزی، با توجه به تحولات کشورهای چپون افغانستان و جمهوریهای آسیای میانه، شاهد فعال شدن احزاب و گروههای شیعی‌ای هستیم که در مقام طرح اسلام به عنوان یک برون‌رفت سیاسی متأثر از نتایج حاصل از انقلاب اسلامی هستند.

۳. در جنوب شرق آسیا، با توجه به تحولات کشورهای چپون مالزی، اندونزی و فیلیپین، شاهد تقویت آرمان حرکت‌های اسلامی و تأیید توانمندی آن برای اداره جوامع هستیم.

۴. در افریقا، با توجه به تحولات کشورهای چپون سودان و نیجریه، شاهد شکل‌گیری اسلام سیاسی و مبارزات مسلحانه‌رهای بخش هستیم.

برای نشان دادن ابعاد مختلف بازتاب انقلاب اسلامی در کشورهای مسلمان به صورت خاص، محمدباقر حشمت‌زاده در فصل دهم با تقسیم حوزه‌های تأثیر انقلاب اسلامی بر جهان اسلام به مناطق عربی آسیا، عربی افریقا، افریقا، افغانستان و

آسیای مرکزی، ترکیه و بالکان، شبه قاره هند و جنوب شرقی آسیا از یک سو و سطوح این تأثیر به سه سطح دولتها، ملتها و نهضتها و جنبشهای اسلامی از سوی دیگر، ماهیت و محتوای تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای اسلامی را در چهار لایه افکار، رفتار، روابط و ساختار بررسی و تحلیل کرده است.

او از کشورهای عراق، افغانستان، ترکیه، پاکستان، لبنان و سودان به عنوان پلهای انتقال انقلاب اسلامی ایران به جهان اسلام یاد می‌کند و با تأکید بر اینکه یکی از پیامدهای انقلاب اسلامی ایران ترویج اسلام سیاسی بوده است، نشان می‌دهد که چگونه با انقلاب اسلامی ایران و تحت تأثیر این انقلاب الگوهای متنوعی از اسلام سیاسی در کشورهای مختلف جهان اسلام نظیر افغانستان، ترکیه، الجزایر، سودان، مالزی، اندونزی و عربستان شکل می‌گیرد.

در فصل پایانی این کتاب، محمدباقر خرمشاد به تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر پدیده اسلام سیاسی می‌پردازد. او توضیح می‌دهد که اساساً واژه اسلام سیاسی از انقلاب اسلامی ایران و به واسطه این انقلاب متولد شده است. در واقع، جنبشهای اسلامی با وقوع انقلاب اسلامی ایران با جهشی فوق‌العاده وارد مرحله‌ای عینی از حیات، آرزوها و آرمانهای خود شدند که در آن اسلام هم‌الگویی برای انقلاب و هم‌الگویی برای حکومت ارائه کرد. با انقلاب اسلامی ایران، اسلام با طراحی و به پیروزی رساندن یک انقلاب از یک سو و با مبنا قرار دادن آن به عنوان حکومتی امروزی از سوی دیگری، وارد قلب سیاست می‌شود و در اصلی‌ترین کانون آن به ایفای نقش می‌پردازد. چنین است که واژه اسلام سیاسی با انقلاب اسلامی ایران متولد می‌گردد. سپس این انقلاب و سرزمین تولد آن، یعنی ایران، به کانون اصلی اسلام سیاسی در جهان تبدیل می‌شود و منشأ تولد، تحول و تکامل انواع مختلف اسلام سیاسی در جهان امروز می‌گردد که حوزه نفوذ و اقتدار آن سرزمینهای اسلامی را درنوردیده و وارد سرزمینهای دیگر می‌شود. امروز، اسلام سیاسی با پشتوانه انقلاب اسلامی ایران از تأثیرگذارترین عوامل مؤثر بر سیاست در جهان اسلام، مناطق مختلف جهان و روابط قدرت در سطح منطقه‌ای، جهانی و بین‌المللی است.

نویسندگان

• افتخاری، اصغر

اصغر افتخاری، متولد ۱۳۴۷، دکترای تخصصی خود را در رشته علوم سیاسی در سال ۱۳۸۲ از دانشگاه امام صادق علیه السلام دریافت کرده است. او عضو هیئت علمی و معاون پژوهشی همین دانشگاه بوده و تاکنون ۲۲ عنوان کتاب و بیش از ۱۲۰ عنوان مقاله از ایشان در نشریات تخصصی چاپ شده است. حوزه پژوهشی او «مطالعات امنیتی»، «جامعه‌شناسی سیاسی» و «اندیشه‌های اسلامی» است. از جمله مهم‌ترین آثار او عبارت‌اند از: *رویکرد دینی در تهاجم فرهنگی* (۱۳۷۷- تألیف)، *مصلحت و سیاست: رویکردی اسلامی* (۱۳۸۴- تألیف)، *کالبدشکافی تهدید* (۱۳۸۵- تألیف)، *مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیتی* (۱۳۸۱- ترجمه)، *شکوفایی علم در جهان اسلام* (۱۳۸۷- ترجمه)، *مصلحت و شریعت* (۱۳۸۴- ترجمه).

شایان ذکر است که افتخاری سردبیر *فصلنامه علمی- پژوهشی دانش سیاسی* و عضو تحریریه چند نشریه پژوهشی و تخصصی چون *فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی*، *مطالعات راهبردی* و *راهبرد دفاعی* است. آثار آماده نشر به قلم افتخاری که در آینده نزدیک منتشر خواهد شد، عبارت‌اند از: «امنیت اجتماعی در اسلام» (کتاب)، و همچنین «برآورد تهدید» (کتاب).

• برزگر، ابراهیم

ابراهیم برزگر، متولد ۱۳۴۳، دانشیار گروه علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی است. وی مؤلف کتبی چون *مبانی تصمیم‌گیری سیاسی امام خمینی* (۱۳۷۴)، *تاریخ تحول دولت در اسلام* (۱۳۸۷)، چاپ ششم، و

روان‌شناسی سیاسی (۱۳۸۹) و حدود چهل مقاله علمی و دانشگاهی در مجلات علمی و همایشهای داخلی و بین‌المللی در حوزه اندیشه سیاسی (در ایران، اسلام و غرب) و روان‌شناسی سیاسی و مسائل ایران و انقلاب اسلامی ایران است.

● بصیری، محمدعلی

محمدعلی بصیری دکترای علوم سیاسی از فرانسه، استادیار دانشگاه اصفهان، مدرس علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در دانشگاههای اصفهان، دانشگاه آزاد اسلامی و دانشگاه داکار (سنگال)، صاحب حدود بیست مقاله چاپ‌شده در مجلات علمی-پژوهشی-ترویجی در حوزه‌های علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دفاع و امنیت بین‌المللی، حقوق بشر و گفتگوی تمدن‌ها، صاحب حدود پانزده مقاله ارائه‌شده در سمینارها و کنفرانسهای بین‌المللی، مؤلف دو جلد کتاب با عناوین *بازدارندگی هسته‌ای در آسیا* (انتشارات سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران) و *کاربرد سلاحهای کشتار جمعی در خاورمیانه* (به زبان فرانسوی - چاپ پاریس، ۱۹۹۷)، استاد راهنما و مشاور حدود ۸۰ رساله کارشناسی ارشد و وابسته فرهنگی سابق جمهوری اسلامی ایران در سنگال است.

● حشمت‌زاده، محمد باقر

ایشان، که دانشیار گروه علوم سیاسی دانشکده علوم اقتصاد و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی است، در حوزه مسائل فرهنگی و اجتماعی مطالعات و تحقیقات متمرکزی داشته است. مهم‌ترین مقالات علمی و کتب منتشرشده وی بیشتر در موضوعات ذیل بوده‌اند: «جامعه مدنی و انقلاب اسلامی»، «جمهوریت و انقلاب اسلامی»، «راهبرد امنیت ملی امریکا»، «نقش نفت در حمله صدام به کویت»، «جنگ تحمیلی و نفت»، «نقش نفت در پیروزی انقلاب اسلامی»، «چشم‌انداز آینده فرهنگ و تمدن»، «ریشه‌ها و پیامدهای انقلاب اسلامی ایران»، «ریشه‌های مذهبی انقلاب اسلامی ایران»، «تأثیر انقلاب اسلامی در کشورهای مسلمان»، «نقش نفت در قدرت، حکومت و ثبات کشور».

• **خرمشاد، محمدباقر**

متولد ۱۳۴۲ و دارای دکترای «علوم سیاسی با گرایش جامعه‌شناسی» از دانشگاه لیون ۲ (لومیر) کشور فرانسه، عضو هیئت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی و دارای پنج کتاب و بیش از ۵۰ مقاله به زبانهای فارسی و فرانسه و استاد راهنما و مشاور بیش از ۸۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکتری است. ایشان عضو هیئت تحریریه مجلات متعدد علمی- پژوهشی در حوزه علوم سیاسی، علوم انسانی و علوم اجتماعی و مباحث فرهنگی در کشور بوده و به مدت سه دوره دبیری جشنواره بین‌المللی فارابی در حوزه علوم انسانی را به عهده داشته‌اند. نامبرده عضو فعال تعداد زیادی از انجمنهای علمی علوم انسانی و علوم سیاسی می‌باشند. حوزه تخصصی این دانشیار محقق جامعه‌شناسی سیاسی، جامعه‌شناسی سیاسی ایران، جنبشهای اجتماعی، توسعه سیاسی، سیاست تطبیقی، انقلابها و انقلاب اسلامی ایران است.

• **دهشیری، محمدرضا**

ایشان متولد ۱۳۴۳، عضو هیئت علمی دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه و دارای دکترای علوم سیاسی از دانشگاه تولوز فرانسه هستند. ایشان به زبانهای فرانسه، انگلیسی و عربی مسلط هستند و دهها مقاله علمی- پژوهشی را در فصلنامه‌های معتبر کشور به رشته تحریر درآورده‌اند. ایشان مؤلف کتابهای *درآمدی بر نظریه سیاسی امام خمینی (ره)* (انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰)، *بازتاب مفهومی و نظری انقلاب اسلامی ایران در روابط بین‌الملل* (انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۸) و مترجم کتابهای *خیانت رسانه‌ها* (انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۷) و *آموزش دانشگاهی و مطالعات میان‌رشته‌ای* (انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۸) هستند.

• **دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال**

ایشان متولد ۱۳۴۴ هستند که دکترای تخصصی روابط بین‌الملل را در سال ۱۳۷۴ از دانشگاه بروکسل دریافت کرده و دو نیمسال نیز به عنوان استاد مدعو در همین

دانشگاه به تدریس درس امنیت اروپا پرداخته‌اند. او اکنون استاد روابط بین‌الملل و رئیس دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی است. از ایشان پنج کتاب و بیش از ۵۰ مقاله در نشریات و مجموعه مقالات تخصصی به چاپ رسیده است. حوزه پژوهش او سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، نظریه‌های روابط بین‌الملل و مطالعات اروپاست. از جمله مهم‌ترین آثار او عبارت‌اند از: *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (سمت، ۱۳۸۸)*، *چهارچوبی مفهومی برای ارزیابی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۷۸)*، *تحولات گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (مؤسسه ایران، ۱۳۸۴)*، *امنیت بین‌الملل (پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۸ ترجمه)*.

شایان ذکر است که دهقانی فیروزآبادی سردبیر فصلنامه *بین‌المللی روابط خارجی و عضو هیئت تحریریه چند نشریه علمی-پژوهشی از جمله دو فصلنامه دانش سیاسی و فصلنامه رهیافتهای سیاسی و بین‌المللی* است. کتاب *اصول روابط بین‌الملل و سیاست خارجی* نیز در آینده از وی منتشر خواهد شد.

● عاملی، سعیدرضا

دکتر سعیدرضا عاملی که تحصیلات دوره دبیرستان را در دبیرستان جان اف کندی در شهر سکرمنتو پشت سر گذاشت، ابتدا دانشجوی رشته مکانیک در دانشگاه سکرمنتو بود که به حوزه الهیات علاقه‌مند شد و نزدیک به ۱۱ سال در حوزه علمیه قم به تحصیل ادبیات، منطق، فلسفه و فقه و اصول پرداخت. لیسانس خود را در سال ۱۳۷۲ در رشته علوم اجتماعی، گرایش پژوهشگری، در دانشگاه تهران به پایان رساند و رساله او تحت عنوان *حکومت از راه وسایل ارتباط جمعی* بود. ایشان تحصیلات دوره کارشناسی ارشد خود را در دانشگاه دوبلین، ایرلند، در رشته جامعه‌شناسی ارتباطات و با رساله‌ای در حوزه مطالعات تلویزیون به پایان رساند. او دکترای خود را در حوزه «جهانی‌شدن» در دانشگاه رویال هالووی لندن در سال ۲۰۰۱ به اتمام رسانده است و تاکنون هفت کتاب به زبان انگلیسی در حوزه‌های جهانی‌شدن، شهروندی، مطالعات رسانه‌ها و مطالعات بین فرهنگی منتشر کرده است.

وی بیش از ۵۰ مقاله در کنفرانسهای بین‌المللی و دهها مقاله در ژورنالهای علمی به چاپ رسانده است. اولین کتاب فارسی ایشان تحت عنوان *روابط عمومی دو فضای* شده در سال ۱۳۸۷ به چاپ رسید و کتاب *فردیت و تلفن همراه* ایشان و همکارانشان در سازمان «سمت» چاپ شده است. از دیگر آثار ایشان *روابط عمومی در شهر جهانی تهران* (۱۳۸۵) و *ابعاد مردم‌پسند و غیر مردم‌پسند شهر تهران* (۱۳۸۶) است. جدیدترین مقاله‌های ایشان به زبان انگلیسی با عنوان «*رویکرد بین فرهنگی به امریکاگرایی و ضد امریکاگرایی*» (۲۰۰۷) در *فصلنامه بین‌المللی مطالعات تطبیقی امریکا و «دین مجازی»* (۲۰۰۹) در *فصلنامه آسیایی علوم اجتماعی* به چاپ رسیده است. آخرین کتابهای ایشان *مطالعات تلفن همراه* (۱۳۸۷) و *مطالعات شهر مجازی تهران* (۱۳۸۸) است.

• محمدی، منوچهر

او که متولد ۱۳۱۸ در شهر کرمان است دکترای مطالعات بین‌الملل خود را از دانشگاه کارولینای جنوبی در شهر کلمبیای امریکا اخذ کرده و در حال حاضر با رتبه استاد تمام، عضو هیئت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران است. حوزه تخصصی مطالعاتی و پژوهشی این استاد علوم سیاسی در زمینه انقلابها و انقلاب اسلامی ایران است و مهم‌ترین تألیفات وی عبارت‌اند از:

- *تحلیلی بر انقلاب اسلامی* (امیر کبیر، ۱۳۸۳، چاپ یازدهم).
- *انقلاب اسلامی در مقایسه با انقلابهای روسیه و فرانسه*.
- *انقلاب اسلامی: زمینه‌ها و پیامدها* (دفتر نشر معارف ۱۳۸۰).
- *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: اصول و مسائل* (نشر دادگستر، ۱۳۸۰).
- *استراتژی نظامی امریکا بعد از ۱۱ سپتامبر، امریکا رویاروی اسلام* (انتشارات سروش، تیرماه ۱۳۸۲).
- *دکترین تعامل سازنده در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*.